

قدرت نرم و جایگاه آن در امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران

محمد علی خسروی^۱

استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

سید نورالله میراشرفی

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

(تاریخ دریافت - ۹۳/۲/۸ تاریخ تصویب ۹۳/۵/۲۲)

چکیده

قدرت نرم یکی از اصلی ترین شاخص های سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. هر نظام سیاسی انقلابی همواره از شاخص های قدرت نرم برای ارتقای موقعیت منطقه ای و بین المللی خود بهره می گیرند. آنچه به عنوان بیداری اسلامی یا ایدئولوژی هویت گرا در جهان اسلام محسوب می شود را می توان بخشی از قدرت نرم جمهوری اسلامی دانست که در قالب رهیافت های نئولیبرالی و پیوند آن با هنجارهای سازه انگاران منعکس نمود. قالب های سازه انگاران با رویکرد کاربرد قدرت نرم در اندیشه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همگونی بیشتری دارد. این شاخص ها و نشانه ها را می توان در ارتباط با رویکرد معناگرا به موضوع قدرت، بیگانه ستیزی و نفی سبیل در سیاست خارجی،

Email: malikhosravi@gmail.com

۱ نویسنده مسئول

آزادی عمل و کنش گرایی فعال در سیاست بین الملل، تعامل بر اساس برابری نقش ها و کنش گرایی هویتی در سیاست خارجی مورد توجه قرار داد. به این ترتیب مؤلفه هایی همانند عمل گرایی و بیگانه ستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می توان نشانه هایی از کاربرد قدرت نرم دانست.

جمهوری اسلامی با بهره مندی از قدرت نرم، به جهان اسلام هویتی تازه بخشیده و با عرضه دکتترین مردم سالاری دینی به کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای، گرایش به اسلام را در جهان به ویژه در خاورمیانه و آفریقا شدت می بخشد. در پرتو قدرت نرم جمهوری اسلامی که عاملی اساسی در ایجاد تنش زدایی و تعامل گرایی منطقه ای و بین المللی است پرچم جمهوری مبارزات اعتقادی و رهایی بخش حول محور اسلام به اهتزاز در می آید، و زمینه های مناسبی برای استقلال عمل کشورهای جهان در قبال آمریکا و ارتقاء نقش جنبش های آزادیبخش به عنوان بازیگران نوین در نظام بین المللی ایجاد نموده است. در این میان صهیونیسم ستیزی بر اساس جنبه اسلامی و ایدئولوژیکی به مبارزات مردم فلسطین و جهانی کردن مبارزه با رژیم صهیونیستی از اولویت های اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سالهای اخیر می باشد. از دیگر اولویت های جمهوری اسلامی ایران که در قالب قدرت نرم معنا یافته است مبارزه همه جانبه با تروریسم و استعمار فرانو و نظام سلطه جو کنونی است که در قالب همکاری های متعدد از جمله با کشورهای مستقل و غیرمتعهد جهان به ویژه کشورهای اسلامی است که این اولویت ها، از طریق تقویت چندجانبه گرایی در مقابل یک جانبه گرایی حاصل می گردد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، قدرت نرم، امنیت منطقه ای، چند جانبه گرایی، امنیت

ملی

مقدمه

در نظام بین الملل امروز، بکارگیری قدرت نرم در سیاست خارجی از ابزارهای تعیین کننده تحقق اهداف ملی و تامین امنیت ملی کشورها محسوب می شود. ضرورت های اجرای اهداف برنامه های توسعه اقتصادی- اجتماعی و همچنین تحقق اهداف نوشته شده در سند چشم انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران ایجاب می کند که نشانه های افزایش کارآمدی قدرت نرم در حوزه های مختلف سیاست خارجی کشورمان فراهم گردد. کاربرد قدرت نرم در سیاست خارجی ایران با شاخص های مربوط به صدور انقلاب با یکدیگر پیوند یافته است. صدور انقلاب منجر به تقویت هویت مقاومت در کشورهایی می شود که دارای نظام های سیاسی محافظه کار و غرب گرا می باشند هویت مشروعیت بخشی در ارتباط با کشورهایی مورد استفاده قرار می گیرد که زمینه های لازم برای همکاری سازمان یافته جامعه و گروه های انقلابی فراهم می شود. به همین دلیل است که می توان سیاست خارجی ایران را انعکاس همکاری های چند جانبه با بازیگران فرو ملی، منطقه ای، فراملی و دولتی دانست. به عبارتی نشانه ها و شکل بندی قدرت نرم در سیاست خارجی نقش محوری در سازماندهی امنیت منطقه ای کشورها دارد. اگر فضای سیاسی، اجتماعی و امنیتی حاکم بر روابط کشورهای یک منطقه در شرایط رقابت، چالش و تعارض قرار داشته باشد طبیعی است که جلوه هایی از تضاد راهبردی بین این کشورها ایجاد خواهد شد. روند های تولید قدرت نرم در سیاست خارجی و امنیت منطقه ای و ملی ایران در شرایطی بوجود می آید که از شکل بندی و کاربرد عینی برخوردار باشد. انعکاس قدرت نرم را می توان در منافع ملی کشورهای ایدئولوژیک از جمله کشورمان مورد توجه قرار داد. البته باید توجه داشته باشیم که حوزه کاربردی و جایگاه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در محیط های منطقه ای شکل گرفته است. دولت هایی که در فضای ضد امریکایی قرار دارند و از انگیزه لازم برای بهره گیری از نشانه های مربوط به قدرت نرم ایران در مقابله با سیاست امنیتی امریکا در منطقه برخوردارند.

قدرت نرم در سیاست خارجی ایران باید توانایی بوجود آوردن الگو های ایجاد تعادل و موازنه در امنیت منطقه ای را دارا باشد. نشانه های الگویی کاربرد قدرت نرم را می توان پاسخی نسبت به نوسانات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای منطقه

ای در ارتباط با امنیت سازی دانست. بهره گیری از رهیافت سازه انگاری می تواند بخشی از نیازهای امنیت سازی منطقه ای را تامین کند. این رهیافت بر کاربرد قدرت نرم در رفتار سیاست خارجی و منطقه ای شکل گرفته است. لذا اگر بتوان به هنجارهای نسبتاً مشترکی نائل گردید، در آن شرایط زمینه برای ائتلاف سازی منطقه ای فراهم می گردد. این نظریه بر موازنه تهدید تاکید داشته و تلاش دارد تا زمینه همکاری کشورهای منطقه ای بر اساس همکاری برای کاهش تهدیدها را فراهم آورد.

تحقق این امر نیازمند بهره گیری از فرآیند هایی است که کشورهای منطقه بتوانند اهداف راهبردی خود را بدون توجه به مداخله قدرت های بزرگ تنظیم نمایند. تعادل در ساختار قدرت منطقه ای به موازات بهره گیری از مؤلفه های توازن تهدید، می تواند زمینه امنیت سازی در منطقه را بوجود آورند. بر اساس چنین فرآیندی زیر ساخت های لازم برای انسجام اسلامی در خاورمیانه ایجاد می شود. به هر میزان کشورهای منطقه ای احساس تهدید بیشتری نمایند در آن شرایط امکان مشارکت امنیتی آنان در فضای منطقه ای و بین المللی افزایش خواهد یافت. بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران اگر بتواند در قالب قدرت نرم به تبیین مؤلفه های سیاست خارجی بپردازد در آن شرایط به سطح بالاتری از امنیت ملی و منطقه ای دست خواهد یافت و البته شاخص های تحقق چنین فرآیندی بر اساس کنش گری در چارچوب دولت ملی، درک واقعیت های سیاست بین الملل، بهره گیری از زیر ساخت های فرهنگی-اجتماعی منطقه و تعامل چند جانبه منطقه ای بین المللی امکان پذیر خواهد بود. سوال اصلی این مقاله آن است که ساز و کارهای امنیت سازی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس جایگاه و کاربرد قدرت نرم در سیاست خارجی چگونه تبیین می گردد؟

۱. مبناي تئوري

کاربرد سیاست خارجی براساس شاخص های قدرت نرم دارای ماهیت و جهت گیری گفتمانی است. به طور کلی گفتمان های امنیت ملی بر اساس نشانه های زبانی، مفهومی، ادراکی و تحلیلی شکل می گیرد. از سوی دیگر می توان بر این امر تاکید داشت که سازه نگاران را می توان اصلی ترین نظریه پردازان نشانه شناسی هنجاری در امنیت منطقه ای

دانست. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس چنین نشانه‌هایی شکل گرفته و حوزه تعامل منطقه‌ای بین‌المللی خود را براساس چنین مفاهیمی تبیین و سازماندهی نموده است.

نظریه پردازان سازه‌انگار بر ضرورت بهره‌گیری از قواعد، هنجارها، معانی، انگاره‌ها و رویه‌های مشترک در سیاست خارجی هنجار ساز تأکید دارند. این مؤلفه‌ها بخشی از واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر سیاست خارجی هویتی و هنجارگرا در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

رهیافت‌های ارائه شده از سوی رهبران جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که نظام سیاسی و سیاست خارجی ایران دارای قالب‌های معنایی - هنجاری بوده و در صدد توسعه همکاری‌گرایی در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد.

در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر نقش هنجارهای درونی شده بین‌المللی یا فراملی مشترک میان دولت‌ها که در درون جامعه بین‌المللی شکل می‌گیرد تأکید می‌کنیم. در این ارتباط نقش هنجارهای داخلی را که از سطح اجتماعی نشأت می‌گیرند و درونی می‌شوند مورد توجه قرار می‌گیرند. بر این اساس سیاست خارجی ایران صرفاً در فضای قدرت نظامی، اقتصادی و راهبردی شکل نمی‌گیرد، بلکه فرآیندهای متنوعی از جمله همکاری، تعامل، اعتماد سازی، مشارکت و چندجانبه‌گرایی می‌تواند شکل بندی و روند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. به این ترتیب مؤلفه‌هایی همانند تعامل‌گرایی منطقه‌ای، اعتمادسازی و چندجانبه‌گرایی را می‌توان شاخص‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران دانست. (فرهادی مرادیان، ۱۳۸۶، ۷۱).

کاربرد رهیافت سازه‌انگاره در سیاست خارجی ایران را می‌توان بخشی دیگر از فرآیندی دانست که معطوف به کاربرد قدرت نرم در حوزه نظری و رهیافت تحلیلی می‌باشد. سازه‌انگاری در زمره رهیافت‌هایی محسوب می‌شود که امکان همکاری چندین بازیگر منطقه‌ای برای نیل به منافع مشترک را فراهم می‌سازد. به این ترتیب سیاست خارجی هنجارگرا بخشی از ضرورت‌های راهبردی ایران برای تأثیر گذاری بر محیط منطقه‌ای محسوب می‌شود.

شود. هنجارگرایی دارای شاخص های مشترکی با نشانه های قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی محسوب می شود. (ستوده آراتی، ۱۳۸۱، ۴۹)

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با رهیافت های مختلفی قابل تبیین می باشد. به طور کلی به نظر می رسد رهیافت های متعارف روابط بین الملل در ارائه تصویری روشن از ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کمبودهایی مواجه هستند و همین امر ضرورت طرح چارچوبی نظری در این زمینه که با ویژگی های منحصر به فرد رفتار خارجی جمهوری اسلامی تناسب داشته و درک روشنی از آن ارائه دهد را دو چندان می سازد. رهیافت نئولیبرالی نیز همانند رهیافت سازه انگاری بر ضرورت های کاربرد قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد. آنچه به عنوان بیداری اسلامی یا ایدئولوژی هویت گرا در جهان اسلام محسوب می شود را می توان بخش دیگر از قدرت نرم جمهوری اسلامی دانست که در قالب رهیافت های نئولیبرالی و پیوند آن با هنجارهای سازه انگاران منعکس می شود. (تاجیک، ۱۳۸۷، ۶۰)

برخلاف واقع گرایان که بر نقش عوامل مادی در روند های سیاست خارجی واحدهای سیاسی تأکید داشته اند. باید به این امر توجه داشت که سازه انگاران بر موضوع های مربوط به فضای معنایی و همچنین قواعد تکوینی تأکید دارند. قواعد تکوینی در زمان نسبتاً طولانی شکل می گیرد. بنابراین موضوع قدرت نرم و تأثیر آن در سیاست خارجی نیازمند آن است که شرایط و فضای مربوط فراهم گردد. این امر در فرآیند تغییر و تحول زمانی ایجاد می شود. برای مثال هنگامی که در دهه اول انقلاب، فضای عمومی داخل کشور متأثر از شرایط انقلابی و رادیکال بود سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز ماهیتی مواجهه آمیز در قبال جهان غرب داشته و اهداف صدور انقلاب و کمک به نهضت های آزادیبخش به صورت آشکار و با قدرت تعقیب می شد. اما در دوران پس از جنگ، فضای عمومی کشور به سوی بازسازی اقتصادی که لازمه آن تعامل بیشتر با جهان بود، حرکت کرد. در نتیجه سیاست خارجی ما نیز مسیر دیگری را در پیش گرفت. (تاجیک، ۱۳۸۷، ۶۴)

آثار قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می توان در حوزه سیاست داخلی مورد توجه قرار داد. کشورها نمی توانند بدون توجه به مؤلفه های درون ساختاری از

قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی استفاده نمایند.

قالب های سازه انگارانه با رویکرد کاربرد قدرت نرم در اندیشه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همگونی بیشتری دارد. این شاخص ها و نشانه ها را می توان در ارتباط با رویکرد معنا گرا به موضوع قدرت، بیگانه ستیزی و نفی سبیل در سیاست خارجی، آزادی عمل و کنش گرایی فعال در سیاست بین الملل، تعامل بر اساس برابری نقش ها و کنش گرایی هویتی در سیاست خارجی مورد توجه قرارداد. به این ترتیب مؤلفه هایی همانند عمل گرایی و بیگانه ستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می توان نشانه هایی از کاربرد قدرت نرم دانست. (تاجیک، ۱۳۸۷، ۶۵).

۱-۱. نقش انسجام گفتمانی در باز تولید قدرت نرم

انسجام گفتمانی محور اصلی سیاست قدرت در کشورهایی همانند کشورمان محسوب می شود. هنجارهای سیاست خارجی که در قالب انسجام گفتمانی معنا می یابند بخشی از واقعیت های قدرت نرم می باشند که بین لایه های مختلف سیاسی و اجتماعی قرار می گیرند. در هر مرحله از روندهای سیاست خارجی ایران می توان نشانه هایی را مورد ملاحظه قرار داد که به موجب آن آمیزه ای از افراطی گرایی و عمل گرایی به وجود می آید. چنین ترکیبی از استراتژی متناقضی در سیاست خارجی را می توان عامل بسیاری از فرآیندهایی دانست که به مدیریت بحران امنیتی انجامیده است. به عبارتی عنصر مذهب در سیاست خارجی ایران همواره تأثیر گذار بوده است اما این امر در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه های ارتقای عمل گرایی را نیز فراهم آورده است. لذا عمل گرایی را می توان سنت سیاست خارجی ایران برای رویارویی با تهدیدات دانست. (نوژی، ۱۳۸۱: ۳۲)

چنین روندی در دیگر برهه های تاریخ سیاست خارجی ایران نیز مشاهده می شود، حتی می توان نشانه هایی از عمل گرایی را در دوران بعد از اشغال عراق توسط آمریکا در سیاست خارجی ایران دید. این امر به مفهوم بیشترسازی همکاری در شرایط بحران و فضای تعارض منطقه ای بین المللی است. مواضع و سیاست های ایران طی بحران خلیج فارس کاملاً نقطه رو به روی سیاست های تندرو و دخالت جویانه ایران طی سالهای جنگ ایران و عراق در دهه

۱۹۸۰ بود. همبستگی نخبگان در ارتباط با هنجارهای امنیتی می تواند زمینه های لازم برای تثبیت نشانه هایی از قدرت نرم در مقابله با تهدیدات را فراهم آورد. بنابر این می توان تأکید داشت که در روند قدرت نرم در سیاست خارجی ایران ضرورت هایی از جمله پیوند عمل گرایي نخبگان سیاسی و همکاری آنان با نهادهای بین المللی اجتناب ناپذیر است. در این دوران جبهه گیری ایران کاملاً بی طرفانه بود. از سوی دیگر ایران از نظرات و توصیه های سازمان ملل و شورای امنیت پیروی نمود. نتیجه این امر بهره گیری از برخی مطلوبیت های منطقه ای برای ایران بود. (هانتر، ۱۳۸۰: ۳۹) همچنین آزادسازی گروگان های آمریکایی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بازتابی از عمل گرایي سیاست خارجی ایران در برخورد با تهدیدات به شمار می آید. در این دوران مؤلفه های سیاست خارجی ایران، شکل قانونمندتری از تعامل سازنده و همکاری جویانه را با سایر دولت ها تعقیب نمود. در این روند، دولت ایران از اعتماد به نفس و جسارت بیشتری برخوردار شد. در این دوران ایران خود را با قانون آهین سیاست جغرافیایی که مبتنی بر ضرورت های امنیتی بود سازگار نمود. (هیل، ۱۳۸۷: ۱۱)

۲. ماهیت قدرت نرم در سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی ایران

ایران به عنوان قدرت منطقه ای با پتانسیل های مؤثر بازیگری در عرصه های بین المللی ضمن اثرپذیری از دگرگونی های روابط بین الملل، به دنبال تأثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود است. جغرافیایی وسیع و متنوع ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی جوان و مستعد، انسجام ایدئولوژی، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت ژئوپولیتیکی با تأثیرات متقابل و سایر مزایای نسبی متعدد از جمله ویژگیهای شاخص جمهوری اسلامی ایران در فضای منطقه ای و بین المللی است. البته باید توجه داشت که اهمیت روزافزون قدرت نرم، در ترکیب منابع قدرت نرم است. جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت های بالایی در این خصوص، برخوردار است. جاذبه های ارزشی، هنجاری و فرهنگی ایران را قادر می سازد تا دیگران را با صرف هزینه های مادی و معنوی کمتری جذب سیاست ها و اهداف خود کند. پس اگر ارزشها و هنجارهای جمهوری اسلامی ایران مشروعیت و مقبولیت یابد از فرهنگ و روش زندگی آن الگوبرداری خواهد شد.

(پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۰)

جهت دستیابی به ماهیت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران ابتدا به ویژگیهای منطقه ای جمهوری اسلامی ایران می پردازیم.

۲-۱. ویژگیهای ژئوپولیتیکی محیط منطقه ای در سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گفتمان های مختلفی مورد استفاده قرار گرفت. از جمله این گفتمان ها می توان به رهیافت هایی اشاره داشت که در حوزه سیاست نه شرقی- نه غربی مورد توجه واقع می شد. بهره گیری از چنین رویکردی، اولین نشانه های قدرت نرم در سیاست خارجی ایران را منعکس ساخت، زیرا سیاست نه شرقی و نه غربی نمادی از نرم افزارگرایی در حوزه سیاست خارجی محسوب می شد.

به عبارت دیگر، سیاست خارجی نه شرقی و نه غربی دارای شاخص های هنجاری است. هرگونه هنجارگرایی را می توان انعکاس کاربرد قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی و همچنین در ارتباط با سیاست منطقه ای دانست. منطقه گرایی ایران در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر ضرورت کاهش قدرت مداخله گری بازیگران بین المللی به ویژه آمریکا قرار داشت. هنجار مقاومت انعکاس کاربرد سیاست نه شرقی و نه غربی در رفتار سیاست خارجی ایران محسوب می شود.

سیاست نه شرقی- نه غربی به عنوان سیاست کلان جمهوری اسلامی در حوزه روابط خارجی در تئوری و عمل یعنی عدول از قواعد خاص میان بازیگران روابط بین الملل و نوعی جهت گیری و رفتار سیاسی بی سابقه و تکاپوی استقلال طلبانه است که تجدید نظر طلبی و عدم آمادگی به پذیرش هنجارهای بین المللی را در دستور کار دارد.

این رویکرد بر این باور است که ایدئولوژی بر ژئواستراتژی اولویت دارد و اصولی چون عدالت جویی و اخلاق گرایی معیار رفتار سیاستگذاران و مجریان سیاست خارجی تلقی می شوند. شاید بهتر باشد، بگوییم ایدئولوژی که در سیاست خارجی و روابط بین الملل به عنوان یک ابزار در خدمت منافع ملی قرار دارد. از دیدگاه رهبر انقلاب عمل به تکالیف الهی غایت

مطلوب است و تامین منافع ملی به تبع عمل به تکلیف انجام می گیرد. (ازغندی، ۱۳۸۹: ۵۱) سیاست نه شرقی - نه غربی دارای شاخص های هنجاری بوده و بخشی از ضرورت های امنیت و سیاست منطقه ای ایران را منعکس می سازد. امنیت منطقه ای تابعی از موازنه و تعادل قدرت محسوب می شود. مؤلفه های هنجاری نیز در موازنه گرایی منطقه ای از اهمیت ویژه ای برخوردارند. کشورهایی که بتوانند زمینه های لازم برای ایجاد صلح و تعادل منطقه ای را فراهم آورند طبعاً به سطح گسترده تری از امنیت سازی در فضای منطقه ای و بین المللی نایل می شوند.

نظام سیاسی - امنیتی مبتنی بر توازن قوا در منطقه خلیج فارس عمدتاً بر محور تهدیدات سنتی میان دولتها در دوران جنگ سرد و شرایط خاص دهه های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با تکیه بر خواست و منافع بازیگران فرامنطقه ای و متحدان محلی آنها طراحی شده است. چنین نظامی تأکید بر تضادها و اختلافات دارد و لذا در ماهیت چه به شکل سنتی و چه جدید منشأ نامنی بوده و در عمل نیز با توجه به بروز تغییرات جدید ژئوپولیتیکی بعد از بحران عراق قابلیت تحقق به شکل سنتی در منطقه را ندارد. در درجه اول، تمرکز بر توازن قوا در گذشته و در حال تجربه موفقی نبوده و از درون آن افزایش رقابت تسلیحاتی، حضور مستقیم نیروهای خارجی و شکل گیری معماهای جدید امنیتی، وابستگی دولتهای عرب منطقه به چتر امنیتی آمریکا و به طور کلی ایجاد تنش، رقابت، بی اعتمادی و جنگ در روابط دولتها و ملتهای منطقه بیرون آمده است. از این لحاظ جنگ تحمیلی عراق بر ایران به نوعی حاصل توازن قواست. (برزگر، ۱۳۸۷: ۴۵)

یکی از رویکردهای اصلی جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد ساختار امنیت منطقه ای با دوام در حوزه خلیج فارس را می توان ایجاد فرایندی دانست که به صلح و ثبات منطقه ای منجر گردد. بخشی از این اهداف از طریق امنیت سازی مشارکتی حاصل می شود. بخش دیگر آن مربوط به ابتکارات سازمان یافته در حوزه استراتژیک تلقی خواهد شد.

هر یک از دو مؤلفه یاد شده بخشی از نشانه های قدرت نرم ایران در حوزه سیاست منطقه ای محسوب می شود. کشورهای در حال ظهور و بازیگرانی که از قدرت مؤثر منطقه ای و بین المللی برخوردارند، امکان بهره گیری آنان از الگوهای باثبات در سیاست خارجی افزایش

می یابد. این امر زمینه لازم برای ایجاد تعادل منطقه ای را فراهم ساخت. به طور کلی نشانه هایی از تلاش بازیگران منطقه ای برای عبور از تعادل گرایی وجود دارد. ایران سیاست منطقه ای خود را برای مقابله با تهدیداتی قرار داد که می توان آن را انعکاس «محافظه کاری منطقه ای» دانست.

به طور کلی، کشورهای همانند عربستان نماد محافظه کاری منطقه ای محسوب شده و سیاست منطقه ای خود را با آمریکا همراه می سازد. مقابله با محافظه کاری نمادی از سیاست مقاومت محسوب می شود. به عبارت دیگر، مقاومت یکی دیگر از شاخص های هنجارگرایی و قدرت نرم ایران در حوزه منطقه ای بوده است. ضرورت های هویت مقاومت ایجاب می کند که جلوه هایی از رادیکالیسم در برابر محافظه کاری منعکس شود. این امر به مفهوم نقد سیاست امنیتی کشورهای منطقه در فضای نگرانی و تعارض نسبت به ایران قرار دارند. در چنین شرایطی امکان نیل به ثبات و موازنه منطقه ای کار دشواری خواهد بود. (بیلگیس، ۱۳۸۵: ۳۸) ایجاد تعادل در فضای منطقه ای نیازمند انعطاف پذیری استراتژیک در حوزه سیاست خارجی خواهد بود. چنین نگرانی هایی را می توان انعکاس نشانه های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دانست، زیرا کشورهای حوزه خلیج فارس از مزاد تسلیحاتی قابل توجهی نسبت به جمهوری اسلامی ایران برخوردارند که از میان آنها می توان به عربستان سعودی اشاره نمود که بیشترین رقابت را با کشورمان در این زمینه می کند که در پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران مواضع مناسبی از خود بروز نداده است و این امر از نمونه های مصداقی مباحث ذکر شده فوق می باشد. (ایزدی، ۱۳۸۷: ۵۲)

۲-۲. ویژگی بازیگران محیط منطقه ای جمهوری اسلامی ایران

کاربرد قدرت نرم در ارتباط با بازیگران انجام می گیرد. بازیگران را می توان محور اصلی کنش سیاست خارجی در نگرش رئالیست ها و همچنین سازه انگاران دانست. سازه انگاران بر این اعتقادند که نه تنها باید به مؤلفه هایی همانند قدرت ابزاری توجه داشت، بلکه نشانه های هنجاری را می توان به عنوان محور اصلی رفتار منطقه ای بازیگران دانست. بنابراین در حوزه امنیتی خلیج فارس و خاورمیانه، شاخص های مربوط به قدرت نرم جمهوری اسلامی به ویژه

قدرت هویت از اهمیت ویژه ای برخوردار است. واحدهای سیاسی همواره تلاش خود را برای سازماندهی فرآیندهای همکاری جویانه به کار می گیرند. این امر انعکاس نیاز آنان به صلح و امنیت می باشند. (جمشیدی، ۱۳۸۶: ۶۴)

مخالفت جمهوری اسلامی ایران با سیاست منطقه ای کشورهای محافظه کار خلیج فارس دارای شاخص ایدئولوژیک بوده است. ایدئولوژیک بخش اجتناب ناپذیر قدرت نرم ایران در مقابله با تهدیدات منطقه ای و بین المللی محسوب می شود. به همین دلیل است که رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به حوزه منطقه ای نیز منعکس می شود. حمایت از کشورهای اسلامی که در خاورمیانه و خلیج فارس قرار دارند را می توان بخش اجتناب ناپذیر سیاست امنیتی ایران دانست.

از دیدگاه رهبری، انقلاب نه تنها ولایت رسالت راهنمایی امت اسلامی در تمام امور داخلی و خارجی را داراست، بلکه از وظایف اصلی او پاسداری بی چون و چرا از اسلام ناب محمدی است. اسلام ناب محمدی، اسلامی است که (در بعد خارجی) غرب و در رأس آن آمریکای جهانخوار و شرق در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و از جنبه داخلی پاکسازی مفسد اخلاقی مردم و جامعه و نوسازی جامعه مؤمنان از طریق تأسیس سازمانهای جدید و در نهایت برپایی عدالت را هدف و رسالت اصلی خود قرار داده است. (از غندی، ۱۳۸۹: ۵۲)

سازماندهی صلح و تعادل منطقه ای در خلیج فارس زمانی شکل می گیرد که ریشه های ناامنی، جنگ و بدبینی منطقه ای مورد بررسی قرار گیرند. این امر بر مبنای تجارب گذشته سیاست خارجی کشورهای منطقه ای تنظیم خواهد شد. از سوی دیگر می توان تأکید داشت زمانی که کشورها در صدد ایجاد صلح خواهند بود که هزینه های جنگ برای آنان بیش از منافعش باشد. به طور کلی، جنگ های منطقه ای هزینه های اجتماعی، انسانی و استراتژیک برای کشورهای همجوار ایجاد خواهد کرد. در چنین شرایطی الگوی رفتاری کشورها در راستای تحقق اهداف و منافع است که می تواند محدودیت های فراروی امنیت ملی و منطقه ای خود را در قالب الگوی تعامل گرا سازماندهی نمایند.

در روش شناسی هنجاری، راهکارهای بهینه سازی سیاست خارجی تعادل گرا برای نیل به تعادل و صلح مشخصه ای بر اساس قابلیت ها و محدودیت های ساختار داخلی در فضای محیط منطقه ای و بین المللی ارائه می شود. (بیلگیس، ۱۳۸۵: ۴۳)

۱-۲-۲. کارکرد امنیتی قدرت نرم در مقابله با انقلاب های رنگی

یکی از مصداق های قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می توان مقابله با تهدید های کم شدت منطقه ای دانست. در سالهای بعد از جنگ سرد جهان غرب در صدد برآمد تا از مفاهیم و ادبیات مربوط به فرهنگ غرب برای مقابله با کشورهای منطقه ای استفاده نماید. این الگو به نام جنگ نرم و یا انقلاب های رنگی معروف شده است. انقلاب رنگی به این معنا است که تغییر سیاسی بر اساس هنجارهای دموکراتیک انجام می گیرد. بهره گیری از الگوی انقلاب های رنگی آسیب پذیری کشورهایی که دارای ساختار سیاسی اقتدار گرا هستند را افزایش می دهد. کشوری که دارای قدرت نرم در حوزه سیاسی و اقتصادی می باشد، نیازمند آن است که از ادبیات و مفاهیمی استفاده نماید که امکان کنترل سایر بازیگران را در حوزه های امنیتی و راهبردی فراهم سازد. کنترل رفتار سیاسی سایر بازیگران بدون بهره گیری از ابزارهای نظامی را می توان بخشی از قدرت نرم کشورها در مقابله با تهدیدها دانست. بنابراین مقابله با انقلاب های رنگی تنها از طریق تولید قدرت نرم امکان پذیر است.

کاربرد هر گونه قدرت به گونه ای است که می تواند جلوه های دیگری از قدرت را خنثی و یا کنترل نماید. کشورهایی که دارای نشانه های قدرت نرم هستند، باید از قابلیت و کارآمدی لازم برای کنترل هنجارهای متعارض را داشته باشند. قدرت مقاومت در برابر تهدید بخشی از قدرت نرم در سیاست خارجی و راهبردی جمهوری اسلامی محسوب می شود.

نظام جمهوری اسلامی از ابزارها و شاخصه های منحصر به فردی جهت مقابله با هر گونه براندازی نرم و یا برپایی انقلاب رنگی در ایران برخوردار است. البته این امر به آن معنا نیست که خطرها و تهدیدهای ناشی از قدرت نرم بیگانگان علیه ایران نادیده انگاشته شود. با وجود تهدیدهای نرم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، با این حال ایران محمل وقوع

انقلاب رنگی نخواهد بود. زیرا انقلاب های رنگی در جوامعی رخ داده که تفاوت های بنیادی با جامعه ایرانی داشته اند. در واقع کشورهای پسا کمونیستی که در آنها انقلاب رنگی روی داده جوامعی محسوب می شوند که از ویرانه های فروپاشی نظام کمونیستی و ساختارهای قدیمی و منسوخ آن سر برآورده اند و هنوز ساختارها و فرآیندهای اجتماعی و سیاسی آنها از دوام و قوام برخوردار نشده است. (عسگری، ۱۳۸۴: ۴۱)

۲-۳. مدیریت کنش بازیگران منطقه ای

از شاخص های اصلی مدیریت کنش در سیاست امنیتی کشورها را می توان فعال سازی بازیگران منطقه ای دانست. بازیگرانی که دارای رویکرد محافظه کار بوده و یا در قالب ائتلاف های رقیب قرار می گیرند.

بر اساس رهیافت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، کشورهای غربی به عنوان نماد رقابت و جدال ژئوپولیتیکی با قدرت نرم ایران محسوب می شوند. به همین دلیل است که ایران تلاش دارد تا زمینه های ظرفیت سازی و اصلاحات ساختاری در حوزه منطقه ای را فراهم آورد.

محور اصلی کنش سیاست منطقه ای ایران را می توان بر اساس اصل تمایز مورد توجه قرار داد. هرگونه تمایزگرایی درحوزه سیاست امنیتی ایران انعکاس قالب های ایدئولوژیک و نشانه هایی محسوب می شود که متفاوت از روح محافظه کار است. این امر در نگرش رهبران سیاست خارجی ایران مورد تأیید قرار گرفته است. به هر میزان فرایندهای معطوف به امنیت گرایی بر اساس نشانه های هویت گرایی در منطقه گسترش بیشتری پیدا کند. طبیعی است که مؤلفه های قدرت نرم ایران از کاربرد و تأثیرگذاری بیشتری نیز برخوردار خواهد شد. ظرفیت سازی را می توان اولین گام برای ارتقاء موقعیت سیاسی، اقتصادی و استراتژیک کشورها دانست. این امر نشان می دهد که هیچ بازیگری نمی تواند در فضای منطقه ای و بین المللی بدون توجه به مؤلفه های ساختاری به ایفای نقش مبادرت نماید.

از سوی دیگر هرگونه ارتقاء موقعیت سیاسی کشورها را می توان زمینه ساز جلوه هایی از همکاری چندجانبه دانست. تجربه سیاست خارجی ایران نشان می دهد که ظرفیت اقتصادی

کشور در دوران های بهره گیری از قدرت نرم از کارآمدی بیشتر برخوردار شده است. ظرفیت سازی به مفهوم بهره گیری از شرایطی است که زمینه تولید اقتصادی و اجتماعی صلح آمیز در فضای منطقه ای را به وجود می آورد. (Djerejian, 2007: 15)

تنظیم سند چشم انداز به عنوان گام مؤثر برای ارتقاء سطح همکاری های استراتژیک ایران با سایر کشورها محسوب می شود. از سوی دیگر باید تأکید داشت که برای ایجاد شرایط مناسب جهت تحقق مبانی مورد نظر سند چشم انداز بیست ساله، نخستین گام توسعه ظرفیت کشور، تقویت فرهنگ توسعه و بسترسازی دگرگونی های نهادی است.

به این ترتیب، زیرساخت های رفتار استراتژیک ایران را می توان در قالب سند چشم انداز توسعه مورد مداخله قرار داد. ظرفیت سازی در حوزه اقتصادی و استراتژیک نیازمند بهره گیری از شاخص ها و الگوهای سازنده در حوزه سیاست خارجی است. بدین جهت سند چشم انداز توسعه و برنامه های اقتصادی ایران می تواند زمینه های لازم برای تحقق چنین اهدافی را فراهم آورد. از آنجایی که در این سند، اهداف عمومی رفتار امنیت ملی ایران مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو سازمان اجرایی و نهادهای عمومی حکومت باید بتوانند از طریق اصلاحات ساختاری، زمینه های لازم برای ظرفیت سازی ملی را فراهم آورند. (Keddie, 2003: 83)

ظرفیت سازی در سطوح مختلفی شکل می گیرد. اولین ضرورت سازی را می توان ارتقاء قابلیت عمومی کشور در حوزه های فرهنگی، اقتصادی و استراتژیک دانست. تمامی مؤلفه های یاد شده بخشی از ضرورت های سیاست خارجی ایران در روند کاربرد قدرت نرم محسوب می شود. برای تحقق چنین اهدافی لازم است تا اقداماتی از جمله ایجاد زیربنای لازم برای توان بخشی مناسبات خارجی و تحرکات بین المللی ایجاد شود. انجام این امر، در راستای تحقق اهداف عمومی قدرت نرم ایران در حوزه سیاست خارجی محسوب می شود.

کاربرد قدرت نرم بیش از هر کار مستلزم تعدیل ساختاری و کاهش دیوان سالاری دولتی و دگرگونی وظایف حاکمیتی و فراهم سازی زمینه های همدلی و چشم انداز مشترک است. چنین فرایندی در گرو سیاست گذاری و هدایت استعدادها به سوی برنامه های توسعه ای در راستای اهداف سند چشم انداز است.

در این مسیر باید موانع اصلاحات ساختاری در بدنه دولت دنبال شود. (رمضانی، ۱۳۸۲: ۲۲) در شرایطی که ایران با محدودیت های بین المللی روبه رو گردیده، طبیعی است که نیاز و افری به حفظ آرامش داخلی، انسجام سیاسی و اتحاد ملی دارد. در چنین شرایطی هرگونه اقدام ساختاری در راستای ظرفیت سازی اقتصادی و اجتماعی نیازمند بهره گیری از سیاست هایی است که بدون شتابزدگی انجام پذیرد. صرفاً در چنین شرایطی است که شاخص های حرکت برای امنیت ملی متعامل، کارآمد و مؤثر تعیین گردیده و بر اساس ضرورت های اقتصادی و استراتژیک کشور به گونه ای مرحله ای در شرایط اجرایی در خواهد آمد. این امر نشان می دهد که سیاستگذاری اقتصادی زیرساخت اصلی هرگونه تحول بنیادین در فرایندهای ظرفیت سازی ساختاری محسوب می شود.

آماده سازی دستگاه های اجرایی کشور برای تعامل هوشمندانه با قواعد جهانی شدن به عنوان ضرورت اجتناب ناپذیر در روند تولید و کاربرد قدرت نرم در سیاست خارجی ایران محسوب می شود. لازم است این امر در یک فرایند آهسته، هدفمند همراه با توسعه سرمایه انسانی و ارتقاء استانداردهای سیاسی-اقتصادی انجام پذیرد. بدیهی است که هرگونه ظرفیت سازی که دارای بنیان های اجتماعی باشد و ارتقاء سرمایه انسانی را سرلوحه خود قرار داده باشد، در کوتاه مدت و میان مدت به نتایج مطلوب استراتژیک منجر می شود. (نای، ۱۳۸۶: ۲۴۶)

هرگونه ظرفیت سازی اقتصادی، به ایجاد زمینه های لازم برای افزایش کارآیی و ثمربخشی امنیت ملی خواهد انجامید. سازماندهی شرایط نوین در عرصه امنیت ملی می تواند با همگانی کردن گفتمان توسعه و کارآمدی انجام پذیرد. این امر با تکیه بر ارزش های بنیادین نظام سیاسی جمهوری اسلامی و بر اساس ضرورت های استراتژیک سازماندهی می شود. طبعاً در شرایطی هرگونه تصمیم گیری نیازمند بهره گیری از الگوهای تعاملی، خردورزی جمعی و ایفای نقش سیاسی معتدل بر محور میانه روی به چرخش درآید.

تحقق این امر نیازمند برنامه ریزی اجرایی به موازات همکاری های چندجانبه منطقه ای خواهد بود. به طور کلی، می توان تاکید داشت که چنین فرایندی نیازمند بهره گیری از کارشناسانی است که بتوانند نتایج مطلوب و سازمان یافته را در حوزه سیاست خارجی به

وجود آورد. این امر نیازمند بهره گیری از شرایطی است که به موجب آن زمینه برای بکارگیری و فعال سازی مدیران و کارشناسان انتقادپذیر، توانمند و پشتیبان توسعه به وجود آید. طبعاً چنین فرایندی زمینه های لازم برای ایجاد ساختارهای سازمانی پویا ایجاد خواهد نمود.

به عبارت دیگر، شکوفاسازی ظرفیت های اقتصادی-استراتژیک زمینه ای لازم برای بهره گیری از قابلیت های نهفته ایران در حوزه قدرت نرم را فراهم می سازد. تحقق این امر را می توان عامل اصلی در بهره گیری از الگوهای تعاملی در حوزه امنیت ملی دانست. ایران نگاه متفاوتی با همسایگان خود نسبت به محیط منطقه ای دارد. از دیدگاه ایران، هرگونه همکاری بین المللی می تواند زمینه های لازم برای مشارکت ژئوپولیتیکی کشورهای منطقه با یکدیگر را فراهم سازد. این امر در جهت مخالفت نگرش منطقه ای آمریکا و جهان غرب محسوب می شود. (زکریا، ۱۳۸۸: ۱۹۸). به عبارت دیگر، ظرفیت سازی در شرایطی انجام می گیرد و آثار خود را بر حوزه های دیگر به جای می گذارد که جلوه هایی از تعامل گرایی در حوزه سیاست خارجی فراهم شود. این امر نشان می دهد که نیروی تأثیرگذار امنیت ملی می تواند با اقدامات سازنده به مطلوبیت های مؤثر نایل شود. تحقق این امر نیازمند اقدامات سازمان یافته و سازنده خواهد بود. ظرفیت سازی به عنوان فرآیندی محسوب می شود که بخش های مختلف ساختار سیاسی در تحقق آن مشارکت مؤثر خواهند رفت. (کالاها، ۱۳۸۶: ۱۴۴)

شاخص های چنین فرایندی در روند ظرفیت سازی و اصلاحات ساختاری برای تأمین منافع استراتژیک در شرایطی انجام می پذیرد که اولاً زمینه های ارتقاء کنش سازمانی و بهبود کارایی دستگاههای مسئول در امر امنیت ملی به وجود آید. ثانیاً از این طریق شرایطی لازم برای افزایش میزان نقش و تأثیرگذاری ایران در رقابت اقتصادی منطقه ای فراهم شود. ثالثاً این امر زمینه گسترش مناسبات با کشورهای همسایه در برنامه های اقتصادی و امنیتی را به وجود آورد. رابعاً، ابزارها و فرایندهای قدرت نرم با ایجاد محیط اقتصادی و سیاسی رقابتی در سطح منطقه انگیزه های جدی در دولت های منطقه برای بهبود سطح همکاری ها و مشارکت متقابل کشورها در حوزه سیاست خارجی فراهم می آورد. این امر گرایش جمعی برای ثبات امنیت و توسعه منطقه ای از طریق کاربرد قدرت نرم در سیاست خارجی را فراهم می سازد.

(Kagan, 2010: 4)

۳. نقش تعامل چندجانبه منطقه ای - بین المللی در قدرت نرم سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران

تعامل گرایی را می توان گام اولیه در جهت ایجاد صلح و فرایندهای همکاری جویانه منطقه ای دانست. این امر تابعی از مشارکت چندجانبه واحدهای سیاسی محسوب می شود. به طور کلی می توان تأکید داشت که بهره گیری از نشانه های قدرت نرم سیاست خارجی در روند امنیت منطقه ای ماهیت تعاملی دارد. تعامل از طریق مذاکره، مصالحه، چانه زنی و همکاری های چندجانبه انجام می گیرد. هر یک از مؤلفه های یاد شده جلوه هایی از رقابت همکاری جویانه را منعکس می سازد. اگر تعامل ماهیت منطقه ای داشته باشد، آثار و پیامدهای آن می تواند در حوزه بین المللی منعکس گردد. از سوی دیگر تعامل بین المللی دارای نشانه هایی در حوزه منطقه ای نیز خواهد بود. این امر نشان می دهد که تعامل گرایی در روند سیاست خارجی تنش زا ماهیت منطقه ای - بین المللی دارد و هر یک از حوزه ها و سطوح تعامل بر سایر عرصه های کنش تأثیرگذار خواهد بود. (Clemonw, 2010: 19)

از سوی دیگر می توان بر این امر تأکید داشت که تعامل گرایی بخشی از ضرورت های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تحقق امنیت منطقه ای باثبات محسوب می شود. به هر میزان نتایج حاصل از تعامل گرایی ارتقاء یابد طبیعی است که قابلیت نظام سیاسی برای مقابله با الگوهای کاربردی نظام سلطه افزایش بیشتری خواهد یافت.

به این ترتیب می توان تأکید داشت که هرگونه تقابل با قدرتهای بین المللی که دارای رویکرد یک جانبه و سلطه جویانه هستند، از طریق فرایندهای چندجانبه گرا و تعاملی در حوزه سیاست خارجی امکان پذیر خواهد بود. بهره گیری از گامهای سودمند دیپلماتیک در مناسبات منطقه ای می تواند ماهیت تعاملی داشته باشد.

این امر شامل موارد و اقداماتی است که زمینه های لازم برای تحقق اهداف پیش بینی شده در سند چشم انداز را فراهم می آورد. بنابراین محور اصلی کاربرد قدرت نرم در سیاست خارجی ایران را می توان در قالب سند چشم انداز مورد توجه قرار داد. این سند ماهیت چندجانبه داشته و حوزه های مختلف دیپلماتیک اقتصادی و استراتژیک را به یکدیگر مرتبط می سازد. (Alavi, 2005: 48)

به طور کلی، ضرورت های سیاست خارجی ایران ایجاب می نماید که پیگیری اهداف استراتژیک از طریق الگوهای تعاملی در چارچوب چگونگی تحقق اهداف سند چشم انداز انجام پذیرد. این امر در شرایطی حاصل می شود که برخی از اقدامات ابتکاری در حوزه های مختلف منطقه و بین المللی انجام پذیرد. تنش زدایی یکی از نشانه های قدرت نرم در سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. بنابراین هرگونه فرایندی که منجر به حل اختلافات منطقه ای و بین المللی گردد، سطح گسترده ای از امنیت ملی را برای ایران به وجود می آورد. تحقق این امر مربوط به انجام ابتکاراتی است که اولاً اختلافات مرزی با همسایگان از طریق برطرف سازی و از میان بردن عوامل ناامن کننده مرزها در چارچوب منافع ملی متوازن واحدهای منطقه ای انجام پذیرد. این امر گام اول در حل اختلافات امنیتی محسوب می شود که زمینه های کاربرد قدرت نرم را به وجود خواهد آورد. ثانیاً حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات با کشورهای غیرمتخاصم در دستور کار قرار گیرد. ثالثاً هماهنگی با بخش های نظامی کشورهای منطقه برای توازن بخشیدن به همکاری های نظامی صلح آمیز منطقه ای انجام پذیرد. از سوی دیگر، هرگونه سیاست خارجی تعاملی نیازمند آن است که حوزه های مربوط به سیاست بین الملل نیز مورد توجه واقع شود. این امر از طریق ارتقاء و توان بخشی پیوندها با قدرتهای فرامنطقه ای مجاور در حوزه جغرافیایی استراتژیک ایران همانند هند، چین، روسیه و ژاپن حاصل می شود. چنین اقداماتی را می توان گام مؤثر در جهت گسترش سطح تعاملی با کشورهای منطقه ای دانست. به عبارت دیگر همکاری با قدرتهای مجاور در حوزه جغرافیایی بسیار حائز اهمیت است. (Molavi, 2005:122)

۴. برون گرایی و تحرک دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در سازماندهی

تعادل منطقه ای

تحرک دیپلماتیک یکی دیگر از شاخص های قدرت نرم در سیاست خارجی ایران محسوب می شود. اگرچه ایران در بسیاری از مقاطع تاریخی تحرک دیپلماتیک محدودی داشته است، اما باید بر این امر تأکید داشت که ضرورت چنین فرایندی در سند چشم انداز سیاست خارجی ایران مورد تأکید قرار گرفته است.

این امر در حوزه سیاست منطقه ای ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. همواره بین تحرک دیپلماتیک و برون گرایی در سیاست خارجی، رابطه متقابل وجود دارد. برون گرایی واقعیت پایان ناپذیر سیاست امنیتی ایران محسوب می شود. بنابراین لازم است تا جلوه هایی از همکاری منطقه ای بین حوزه های مختلف سیاسی در سیاست خارجی ایران ایجاد شود. تحقق چنین فرایندی بدون توجه به ضرورت های معطوف به تحرک مرحله ای و برون گرایی امکان پذیر نخواهد بود. این امر را می توان واقعیت پایان ناپذیر سیاست امنیتی کشورهای دانست که دارای رویکرد هنجاری در سیاست خارجی و چگونگی کنش در حوزه امنیت منطقه ای هستند.

در چنین شرایطی، واحدهای سیاسی تعامل گرا، تلاش می کنند تا زمینه های مؤثر جهت استفاده از منابع، سرمایه ها، فرصتها و همکاری های بین المللی فراهم گردد. در واقع تنش زدایی نیازمند بهره گیری از ابزارهای دیپلماتیک همکاری گرا و تعاملی در حوزه سیاست خارجی است. این امر از طریق بهره گیری الگوهای همانند همزیستی مسالمت آمیز، تحرک دیپلماتیک و اعتمادسازی در روابط خارجی کشورها حاصل خواهد شد. لازم به توضیح است که سیاست خارجی ایران ماهیت تعاملی، برون گرا، همکاری جویانه و جهان گرا دارد. طبیعی است که این مؤلفه ها میتواند جایگاه ایران در حوزه همکاری های بین المللی را بر اساس منافع چندجانبه فراهم سازد. اگرچه هم اکنون انتقادات قابل توجه نسبت به وضع موجود نظم جهانی، ضرورت اصلاح نظام جهانی و پارادایم حاکم بر آن به منظور تأمین منافع همه بازیگران مورد توجه سیاست خارجی ایران قرار گرفته است. این رویکرد در حوزه های مختلف کنش دیپلماتیک ارایه شده است. (کورزمن، ۱۳۸۲: ۱۲۲)

به عبارت دیگر، اصلاح طلبی سیاسی - اقتصادی در نظم جهانی امروز مستلزم احترام متقابل کشورها در ایجاد زندگی مسالمت آمیز برای کنش گری سودمند از طریق فعالیت هایی انجام می پذیرد که کشورها سیاست تعاملی خود را در کنار یکدیگر پیگیری نمایند. این امر علی رغم وجود برخی از اختلاف نظرها و منافع متعارض در میان بازیگران نظام اقتصادی، سیاسی و جهانی امکان پذیر خواهد بود.

بدین ترتیب می توان تأکید داشت که کاربرد قدرت نرم در سیاست منطقه ای ایران یکی

از مؤلفه های اصلی امنیت سازی محسوب می شود. طبعاً تحرک دیپلماتیک نه تنها سبب عدول از اصول و منافع ملی یک کشور در امنیت ملی محسوب نمی شود بلکه این امر به منزله نوعی خردگرایی مدرن جهانی محسوب می شود که بر اساس مفاهیم و رعایت منافع طرفین انجام می گیرد. تحرک دیپلماتیک محور اصلی همکاری های منطقه ای و بین المللی تمامی کشورها محسوب می شود. (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۴۹)

این امر به عنوان اصلی ترین ضرورت سیاست منطقه ای ایران برای گسترش چند جانبه گرایی است. در این صورت کشورها ضمن حفظ هویت و پیگیری منافع ملی خود، حقوق و منافع سایر بازیگران را نیز مراعات می نمایند. این امر بیانگر آن است که همزیستی مسالمت آمیز و تحرک دیپلماتیک از هرگونه مطلق انگاری در کسب منافع کشورها پرهیز می کند. چنین الگوی رفتاری در حوزه سیاست خارجی منافع مشترک و همسانی ها را در اولویت رفتاری واحدهای سیاسی در فضای تعاملی قرار می دهد. از سوی دیگر می توان تأکید داشت که تحرک دیپلماتیک در برگیرنده اصولی است که بتواند اولاً زمینه پذیرش اختلافات و تفاوت های ایدئولوژیک ارزشی و هنجاری بین بازیگران نظام جهانی را به وجود آورد. بدهی است که این امر به مثابه نفی سلطه پذیری در کنار نفی سلطه گری تلقی می شود. ثانیاً، در چنین فرایندی حل و فصل اختلافات و منازعات میان کشورها و بازیگران نظام جهانی و منطقه ای به صورت مسالمت آمیز انجام می گیرد. این فرایند بدون توسل به زور و خشونت انجام خواهد شد. (تاجیک، ۱۳۸۷: ۲۲)

تحقق موارد ذکر شده از طریق برنامه ریزی، سازماندهی و به مرحله اجرا گذاشتن ترتیبات و ساختارهای منطقه ای، بین المللی و جهانی انجام می گیرد. طبعاً این امر مبتنی بر تلاش مسالمت آمیز در روند اصلاح و بقا بنیان های کنش بین المللی محسوب می شود. به عبارت دیگر می توان تأکید داشت که در چنین فرایندی هرگونه ابتکار همکاری جویانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معطوف به تحقق اهدافی است که نشانه های آن در راستای دستیابی عادلانه تر تمامی بازیگران به منافع حاصل از کارکرد مجموعه های مختلف نظام بین الملل انجام پذیرد. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۳۳)

در واقع تحرک دیپلماتیک در سیاست خارجی و منطقه ای ایران نیازمند آن است که

جلوه هایی از برون گرایی حاصل شود. این امر را می توان نمادی از پذیرش تکثرگرایی بین المللی در امنیت ملی دانست. تحقق این امر در شرایطی حاصل می گردد که الگوی تقابل و تعارض غیرسودمند در روابط دیپلماتیک و تعامل چندجانبه مورد توجه واقع نشود. بدین ترتیب همکاری و همزیستی با سایر بازیگران و کشورها به عنوان ابزار مهم تحرک دیپلماتیک در سیاست خارجی محسوب می شود. تحقق این امر متضمن منافع چند بعدی کشورها در حوزه منطقه ای بین المللی و جهانی خواهد بود. (بیل گیس، ۲۹: ۱۳۸۵)

۵. تبیین شاخص های سند چشم انداز در روند همکاری های منطقه ای

سند چشم انداز بر ضرورت هایی از جمله تحرک منطقه ای، همکاری گرایی و برنامه ریزی متوازن بخش های مختلف تأکید دارد. از سوی دیگر هر گونه برنامه ریزی برای پیشبرد توسعه می تواند در شرایطی امکان پذیر باشد که رفتار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، استراتژیک و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران ماهیت متوازن پیدا نماید.

ضرورت اجرای سند چشم انداز توسعه از آنجایی است که اولاً فعالیت های کارشناسی برای تنظیم آن انجام گرفته است. ثانیاً مجمع تشخیص مصلحت آن را مورد بررسی و تصویب قرار داده است. ثالثاً این سند توسط عالی ترین مقام سیاسی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران به نهادها و سازمانها و مراکز اجرایی ابلاغ گردیده است. (طاهایی، ۱۳۸۷: ۲۹) بنابراین تمامی نهادها، سازمان ها و مراکز اجرایی باید برنامه های خود را بر اساس ضرورت های پیش بینی شده در این سند تنظیم نمایند. این سند محور اصلی قدرت سازی در چارچوب ساختاری و کارکردی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. تحقق آن نیازمند آن است که اراده سیاسی مؤثر از سوی کارگزاران و نهادهای اجرایی برای پیگیری مفاد سند چشم انداز توسعه ۱۴۰۴ فراهم شود. از سوی دیگر لازم است تا برنامه ریزی اجرایی لازم برای تحقق اهداف سند چشم انداز انجام پذیرد. این امر بدون توجه به ابتکار عمل در عرصه امنیت ملی امکان پذیر نخواهد بود.

بنابر این می توان با تدوین و اجرای راهبردهای مناسب، زمینه لازم برای اجرای دقیق سیاستهای کلی نظام را طراحی نمود. این امر از طریق برداشتن گام هایی در جهت شناخت

محیط منطقه ای و بین المللی انجام می پذیرد. (نقیب زاده، ۱۳۸۸: ۲۲)

محور اصلی سند چشم انداز در حوزه سیاست خارجی را می توان بهره گیری از الگوهای رفتاری دانست که زمینه های تعامل و چندجانبه گرایی در حوزه منطقه ای را فراهم آورد. این امر در شرایطی حاصل می شود که اولاً گسترش همکاری دوجانبه و منطقه ای با همسایگان در دستور کار قرار گیرد. ثانیاً پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای رقیب و مخالف در قالب تعامل سازنده محور توجه واقع شود. ثالثاً بهره گیری از روابط خارجی بر افزایش توان ملی انجام پذیرد. سیاست خارجی باید بتواند منافع و توان ملی تمامی واحدهای سیاسی از جمله جمهوری اسلامی ایران را تأمین نماید.

بخش دیگری از سند چشم انداز مربوط به حوزه رقابت با بازیگران منطقه ای و بین المللی می باشد. لازم به توضیح است که سیاست خارجی هیچگاه بدون رقابت وجود نخواهد داشت. ضرورت های رقابت گرایی سازنده ایجاب می کند که محدودیت هایی برای کشورهای مهاجم و رقیب ایجاد شود. قاعده مند سازی الگوی رفتار با چنین کشورهایی می تواند مشروعیت و حقانیت سیاسی بیشتری برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید. (Takeyh, 2010: 66)

تحقق این امر در شرایطی امکان پذیر است که نخست رویارویی با افزون خواهی کشورهای کینه ورز بر اساس شاخص های قانونی و ادبیات سازنده انجام پذیرد. ثانیاً، تلاش برای رهایی از حضور بیگانگان در منطقه بر اساس چندجانبه گرایی منطقه ای انجام پذیرد. ثالثاً، رویارویی با تک قطبی شدن جهان از طریق تعامل ضد نظام سلطه انجام پذیرد. رابعاً، تلاش برای ایجاد نزدیکی بین کشورهای اسلامی بر اساس اهداف و دورنمای مشخص انجام گیرد.

خامساً، تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل بر مبنای چندجانبه گرایی، ادبیات سازنده و فرایندی انجام پذیرد که منجر به مشارکت طیف گستردهای از کشورهای مختلف با اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران گردد.

زمانی که چنین الگوهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفت طبیعی است که زمینه برای تحقق اهدافی از جمله عضویت جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین المللی و منطقه ای، حضور کنش گر در کمیته ها و گروه های کاری مربوط به بازبینی سازوکارهای سازمان ملل متحد، توان بخشیدن به سازمان کنفرانس اسلامی و

تلاش جهت داشتن نقش بیشتر این سازمان در حل بحران ها و مسائل جهان اسلام و رایزنی با کشورهای اسلامی درباره واگذاری جایگاه دائمی در شورای امنیت به سازمان کنفرانس اسلامی نیز ایجاد خواهد شد. تمامی این مؤلفه ها، انعکاس تنش زدایی و چندجانبه گرایی در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. (Feldman, 2004: 84) در حوزه بین المللی، ساختار دیپلماتیک ایران نیازمند چندجانبه گرایی حقوقی، نهادی و استراتژیک است بدون توجه به ضرورت های سیاست بین الملل نمی توان به اهداف استراتژیک در حوزه سیاست خارجی نایل گردید. بنابراین لازم است تا اولاً زمینه لازم برای بستن قراردادهای همکاری در معاضدت قضایی و استرداد مجرمین در سطح بین المللی به وجود آید. ثانیاً، قراردادهای چندجانبه در راستای همکاری مؤثر بین المللی در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر به وجود آید. ثالثاً، از طریق دگرگون ساختن نگرش منفی در زمینه اتهام پشتیبانی جمهوری اسلامی از تروریسم می توان هنجارهای مؤثری برای تأمین حقوق گروههای هویتی- اجتماعی و سیاسی واحدها و کشورهای فرو دست در سیاست بین الملل را فراهم آورد. (خرازی، ۱۳۸۹: ۳۳)

۶. چند جانبه گرایی در قالب قدرت نرم و سیاست امنیت منطقه ای

چند جانبه گرایی یکی از شاخصهای اصلی قدرت نرم محسوب می شود. محور اصلی چند جانبه گرایی را می توان پذیرش واقعیت های محیط منطقه ای دانست. هیچ کشوری به تنهایی قادر به تأثیر گذاری یک جانبه بر محیط سیاسی و بین المللی نخواهد بود. به طور کلی جمهوری اسلامی ایران اگر بتواند منافع ملی خویش را در قالب چند جانبه گرایی منطقه ای و بین المللی تنظیم نماید، از جایگاه و نقش مؤثری در فرایندهای سیاست بین الملل برخوردار می گردد. در بسیاری از مواقع مشاهده شده است که رهبران و مقامات سیاسی کشورهای همانند جمهوری اسلامی ایران که در معرض تهدیدات امنیت ملی قرار داشته اند. تمایل چندانی به پیگیری الگوهای مبتنی بر کاربرد قدرت نرم از طریق هنجارسازی و قاعده سازی نخواهند داشت. این امر انعکاس تجارب سیاسی و امنیتی آنان در برخورد با تحولات منطقه ای و موضوعات بین المللی بوده است.

جمهوری اسلامی ایران کشوری تأثیر گذار در مناطق خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز است و از حیث ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک نیز جایگاه ممتازی در جهان دارد. در واقع نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نماد اسلام سیاسی نه تنها در داخل کشور بلکه در منطقه نیز از قدرت نرم برخوردار است و تحولات کشورهای پیرامونی را به خود وابسته کرده است. از این رو تغییر رژیم و براندازی نرم در ایران از یک سو باید با محاسبات دقیق و صحیح صورت گیرد و از سوی دیگر قدرت سخت نیز باید در آن سهم ویژه ای ایفا کند. زیرا هر گونه خطای تاکتیکی یا راهبردی از سوی بیگانگان می تواند به ایجاد چالش های بزرگی در سراسر منطقه بیانجامد و پاسخ های کوبنده ای از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران در بر داشته باشد. به خصوص که الگو پذیری بسیاری از مردم منطقه از نظام جمهوری اسلامی ایران، موجب ارتقای جایگاه قدرت نرم ایران در منطقه شده است. به نحوی که غربی ها به خصوص آمریکایی ها بارها اذعان کرده اند که هر تصمیمی برای منطقه خاورمیانه، بدون مشارکت ایران، واهی و باطل خواهد بود. به عنوان نمونه، در حالی که آمریکا در عراق و افغانستان دارای قدرت سخت است و از لحاظ نظامی برتری دارد، اما برای برقراری امنیت در این کشور به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران احتیاج پیدا کرد.

همین امر در فلسطین اشغالی، لبنان و سایر کشورهای منطقه نیز مصداق دارد. به طوری که تحولات منطقه ای خاورمیانه به قدرت نرم ایران پیوند خورده است. در نتیجه با توجه به قدرت نرمی که ایران در جهان اسلام به خصوص در میان شیعیان عراق و لبنان و همچنین گروه های فلسطینی دارد، هر گونه تعرض به نظام جمهوری اسلامی ایران می تواند عواقب و پیامدهای ناگواری برای آمریکا و هم پیمانان آن در منطقه در پی داشته باشد. بنابراین موقعیت خاص ایران در منطقه و جهان از یک سو ایران را از کشورهایی که در آنها انقلاب رنگی روی داده است، متمایز می سازد و از سوی دیگر به عنوان مانعی جهت تحقق یک انقلاب رنگی و براندازی در نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید. (عسگری، ۱۳۸۴: ۳۳)

از سوی دیگر، می توان بر این امر تأکید داشت که بی اعتمادی نسبت به سیاست بین الملل نمی تواند مطلوبیت های طولانی مدت برای واحدهای سیاسی به وجود آورد. به عبارت دیگر واحدهای سیاسی که در معرض جنگ، ناآرامی، بی ثباتی، و مداخله امنیتی قدرتهای

بزرگ قرار گرفته اند را می توان در زمره بازیگران رئالیست در سیاست بین الملل دانست. (ایزدی، ۱۳۷۷: ۳۰)

در زمینه چند جانبه گرایی که از محورهای اصلی در سند چشم انداز توسعه ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران می باشد. به سیاستهای هنجارسازی منطقه ای و بین المللی و همچنین مؤلفه هایی از جمله اعتمادسازی در حوزه روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است.

به عبارتی هرگونه کنش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیازمند آن است که زیرساخت های معطوف به همکاری، همگرایی، مشارکت گرایی و برنامه ریزی مشترک بین بازیگران منطقه ای - بین المللی بر اساس ضرورت های سند چشم انداز فراهم شود. ضرورت های سند چشم انداز ایجاب می کند که جلوه هایی از تعامل گرایی در حوزه سیاست خارجی شکل گرفته و زمینه تأمین حقوق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران گردد.

از سوی دیگر ادراک نخبگان سیاسی در روند هنجارسازی منطقه ای و بین المللی نقش تعیین کننده ای برای ارتقاء اهداف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در روند امنیت سازی منطقه ای ایفا می کند. به این ترتیب لازم است تا زمینه لازم برای ایجاد شاخص هایی در رفتار سیاست خارجی ایران به وجود آید که از تداوم بیشتر و تغییر کمتر برخوردار باشد.

البته باید توجه داشته باشیم که چگونگی کنش سایر کشورهای حوزه خلیج فارس در تأمین و تحقق ضرورت های امنیت منطقه ای نقش مؤثر و تعیین کننده ای دارد و به این ترتیب، لازم است تا شرایطی فراهم گردد که به موجب آن زمینه لازم برای ارتقاء سطح تعامل کشورهای منطقه در چارچوب ساختار گرایی، نهاد گرایی، و کنش متقابل سازنده از سوی جمهوری اسلامی ایران در قالب قدرت نرم هر چه بیشتر مدنظر قرار گیرد. (جمشیدی، ۱۳۸۶: ۶۲)

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قالب قدرت نرم به تنش زدایی منطقه ای و اعتمادسازی متقابل با کشورهای جهان و نیز جهان سوم برپایه عدم تعهد در قبال قدرتهای سلطه گر و مقابله با چالش های آنها در سطح منطقه و نظام بین الملل استوار می باشد. همزیستی توأم با واقع بینی با کشورهای مسلمان منطقه و نیز تعاملات گسترده با کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین و اسلامی فرمانطقه ای بر اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر و همچنین نگرش به شرق، اهتمام به منطقه گرایی و همگرایی منطقه ای از اولویتهای اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد که این امر در قالب قدرت نرم معنا می یابد. توجه به برقراری مراودات تجاری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی با همسایگان و تقویت دیپلماسی غیردولتی و نقش سازمانهای غیردولتی در گسترش مناسبات درون منطقه ای و فرمانطقه ای، و همچنین توسعه مسیر تجاری شمال- جنوب به عنوان کوتاهترین مسیر برای تجارت منطقه ای، و همچنین تأمین امنیت منطقه ای و تقویت صلح و ثبات در خاورمیانه با اعتمادسازی و حذف علل تنش و ایجاد فضای همکاری در میان کشورهای منطقه خلیج فارس و پایان دادن به هرگونه تنش و درگیری در میان کشورهای منطقه از محورهای مدنظر سیاستمداران جمهوری اسلامی است که در رهیافت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران قابل دسترسی می باشد.

به عبارتی جمهوری اسلامی ایران با بهره مندی از قدرت نرم، به جهان اسلام هویتی تازه می بخشد و با عرضه دکتترین مردم سالاری دینی به کشورهای منطقه ای و فرمانطقه ای و نیز کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی، گرایش به اسلام در جهان به ویژه در خاورمیانه و آفریقا را شدت می بخشد. در پرتو قدرت نرم جمهوری اسلامی که عاملی اساسی در ایجاد تنش زدایی و تعامل گرایی منطقه ای و بین المللی است پرچم جمهوری مبارزات اعتقادی و رهایی بخش حول محور اسلام به اهتزاز در می آید، و زمینه های مناسبی برای استقلال عمل کشورهای جهان در قبال آمریکا و ارتقاء نقش جنبش های آزادیبخش به عنوان بازیگران نوین در نظام بین المللی ایجاد نموده است. در این میان صهیونیسم ستیزی بر اساس جنبه اسلامی و ایدئولوژیکی به مبارزات مردم فلسطین و جهانی کردن مبارزه با رژیم صهیونیستی

از اولویتهای دیگر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سالهای اخیر می باشد. از دیگر اولویت های جمهوری اسلامی ایران که در قالب قدرت نرم معنا یافته است مبارزه همه جانبه با تروریسم و استعمار فرانو و نظام سلطه جو کنونی است که در قالب همکاری های متعدد از جمله با کشورهای مستقل و غیرمتعهد جهان به ویژه کشورهای اسلامی است که این اولویت ها، از طریق تقویت چندجانبه گرایی در مقابل یک جانبه گرایی حاصل می گردد. از سوی دیگر تهدیدزدایی و مبارزه با سلاحهای کشتار جمعی میان ملتها در قالب موضوعات صلح جهانی نیز حاصل تلاشهای دستگاه دیپلماسی و مجریان جمهوری اسلامی ایران می باشد.

با توجه به سند چشم انداز بیست ساله، جمهوری اسلامی ایران، در سال ۲۰۲۰ در میان ۲۸ کشور خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی جزء کشورهای پیشرفته به لحاظ اقتصادی علمی و تکنولوژی خواهد بود که این امر مستلزم استفاده از مؤلفه های قدرت نرم و اهمیت دو چندان آنها خواهد بود.

از دیگر ضرورت های بهره مندی از قدرت نرم جمهوری اسلامی در جهت تنش زدایی و تعامل گرایی منطقه ای و بین المللی، جلوگیری یا تعدیل شدت جنگ روانی موجود در زمینه توانمندسازی هسته ای صلح آمیز می باشد. جمهوری اسلامی ایران با فعال نمودن ابتکار عمل منطقه عاری از تسلیحات هسته ای در خاورمیانه را دنبال میکند و با برگزاری کنفرانس بین المللی خلع سلاح در خاورمیانه، علاوه بر نشان دادن حسن نیت خود تبلیغات منفی علیه خود را خنثی می نماید.

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر قومس.
- ایزدی، بیژن (۱۳۷۷)، در آمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم
- ایزدی، حجت الله (۱۳۸۷)، "مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۰۴.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، "خلیج فارس و نظریه توازن قوا"، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۵۱
- بیابگیس، بینار (۱۳۸۵)، "امنیت منطقه خاورمیانه، یک دیدگاه انتقادی"، ترجمه حسین پوراحمدی، فصلنامه مطالعات راهبردی
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ قالیباف، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۰)، "جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تاکید بر جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه راهبردی، سال بیستم، شماره ۱۶
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷)، نظریه های پست مدرنیستی درباره انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه ای، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- خرازی، صادق (۱۳۸۹)، "دیپلماسی عمومی ضرورت امروز سیاست ایران"، ماهنامه همشهری، شماره ۳۵
- جمشیدی، محمد (۱۳۸۶)، نظامهای بین المللی تک قدرت محور: تک قطبی هژمونی امپراتوری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- رضانی، روح الله (۱۳۸۲)، صدور انقلاب ایران: سیاست: اهداف و مسائل، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- زکریا، فرید (۱۳۸۸)، جهان پسا - آمریکایی، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر هرمس
- طاهایی، سیدجواد (۷۸۳۱)، در آمدی بر مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک
- عسگری، حسن (۱۳۸۴)، "نقش بازیگران خارجی در انقلاب رنگین، مورد انقلاب گرجستان"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهاردهم، دوره چهارم، شماره ۵
- عسگری، محمود (۱۳۸۴)، "ویژگی های قدرت نرم"، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۴۳

- کالاهان، کریستوفر (۱۳۸۶)، **چهره متغیر سیاست خارجی**، ترجمه محمود یزدان فام، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- کوردزمن، آنتونی (۱۳۸۲)، **موازنه نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه**، تهران: مطالعات دفاعی نیروی دریایی
- نقیب زاده، احمد (زمستان ۱۳۸۸)، "چالشهای نظری و عملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۲.
- نای جوزف (۱۳۸۶)، "قدرت نرم ابزار موفقیت در سیاست جهانی"، ترجمه عسگر قهرمان پور، فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۸۱
- نوژیایی، بهرام (۱۳۸۱)، **گاه شمار سیاست خارجی ایران از مرداد ۱۳۶۷ تا خرداد ۱۳۸۰**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- هانترو، شیرین (۱۳۸۰)، **آینه اسلام و غرب**، ترجمه محمد مجد، تهران: نشر فرزاد

- Alavi, Nasrin (2005), **We Are Ivan: The Persian Blogs**, Brooklyn, Soft skull press.

- Takeyh, Ray (2006), "Well, Isn't that Special?", **Strategic Studies Journal**.

- Feldman, Shai and Viftah Shaper (2004), **The Middle East Strategic Balance 2003-2004**, London, Oxford press.

- Djerejian, Edward (20 December 2007), "War and Peace: The Problems and Prospects of American Diplomacy in the East", **Los Angeles World Affairs Council**.

- Keddie, Nikki (2003), **Modern Iran Roots and Results of Revolution**, New Haven, Yale University press.

- Kagan, Fredrick (20 June 2010), "Deterrence Misapply, Challenges in Containing a Nuclear Iran" **Council on Foreign Relations**.

- Clemons, Steve (20 September 2010), "U.S Mideast Arms Deal Aims to stop Attack on Iran", **Financial Times**.